مطالعات تاریخ اسلام
سال سیزدهم/ شمارهٔ ۵۱/ زمستان ۱۴۰۰، مقاله علمی- پژوهشی، صفحات ۷-۳۷

:20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6

واکاوی روایی-تاریخی و تاریخ‌گذاری برخی از اخبار هجرت به حبشه بر مبنای تحلیل شبکهٔ اسناد و منبع اولیه*

قاسم بستانی[۱]
مینا شمخی[۲]
علی مطوری[۳]
عیسی محمودی مزرعاوی[۴]

چکیده: اخبار هجرت برخی از مسلمانان به حبشه از مهم‌ترین اخبار تاریخ صدر اسلام است که در منابع متعددی نقل شده است. این اخبار علاوه بر لزوم تحلیل تاریخی، متنی و سندی، نیازمند تاریخ‌گذاری با هدف رسیدن به زمان پیدایش و رواج آنها توسط راویان و نیز زمان راه یافتن آنها به منابع حدیثی اولیه است.

از آنجا که موضوع هجرت برخی از مسلمانان به حبشه در صدر اسلام، یک مسئله تاریخی است که در منابع روایی گزارش شده است، تحلیل و بررسی آن نیز می‌بایست به روش ترکیبی روایی-تاریخی انجام شود. در این پژوهش که به صورت تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته، زمان پیدایش و رواج اخبار هجرت به حبشه با دو روش تاریخ‌گذاری مبتنی بر تحلیل شبکهٔ اسناد و روش مبتنی بر منبع حدیثی اولیه، مورد بررسی قرار گرفته است. ترسیم شبکهٔ اسناد بصری به روش ینبُل برای یافتن حلقه‌های مشترک اصلی و فرعی در اسناد این اخبار و نیز بررسی منابع متقدم، نشان می‌دهد که منشأ پیدایش این اخبار در قرن دوم یا نیمه اول قرن سوم قمری بوده و این اخبار در آن زمان جعل شده و یا دست‌کم رواج پیدا کرده‌اند. علاوه بر آن، نتیجهٔ این پژوهش مشخص می‌کند که مطرح شدن برخی از موضوعات در اخبار هجرت به حبشه، با برخی از گزاره‌های تاریخی مانند زمان تشریع برخی از احکام، در تناقض است.

واژه‌های کلیدی: تاریخ‌گذاری احادیث، حلقهٔ مشترک اصلی، حلقهٔ مشترک فرعی، هجرت به حبشه

---

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامهٔ دوره دکتری با عنوان «اعتبارسنجی روایات و اخبار مرتبط با نجاشی پادشاه حبشه در میراث حدیثی فریقین» می‌باشد.

۱ عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسندهٔ مسئول) gbostanee@yahoo.com
۲ عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز m_shamkhi@yahoo.com
۳ عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز Dr.matouri@gmail.com
۴ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران اهواز maahmoodi1361@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۲ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۹/۶

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

A Quarterly Journal Of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 13, No 51, Winter 2022
Reserch Center For Islamic History, http://journal.pte.ac.ir/
Scientific-Research, pp. 7-37

Narrative-historical Analysis and Determining the Dates of Some News of Emigration to Abyssinia based on Analysis of Primary Documents and Source Network

Ghasem Bostani[1]
Mina shamkhi[2]
Ali matouri[3]
Esa Mahmoodi Mazreavi[4]

Abstract: In addition to the need for historical, textual and documentary analysis, the news of the emigration of some Muslims to Abyssinia requires determining the exact dates, in order to find the time of their emergence and popularity by the narrators and also the time of their access to the primary hadith sources. In this research, which has been done analytically and using desk study method, the time of emergence and spread of the news of emigration to Abyssinia is investigated using two methods based on document network analysis and a method relying on original hadith source. Drawing a network of visual documents using Juynboll's method to find the main and secondary commonalities in the documents relating to this news and also examining the earlier sources, shows that the origin of this news was in the second or first half of the third century and this news was fabricated at that time, or at least have become popular at that time. Moreover, the results of this study indicate that the inclusion of some issues in the news of the emigration to Abyssinia is in contradiction with some historical facts, such as the time of legislation of some rulings.

Keywords: Determining the dates of Hadiths, main common ring, sub-common ring, emigration to Abyssinia.

1 PhD in Quranic and Hadith Sciences and Associate Professor of Shahid Chamran University of Ahvaz(author of responsible), gbostanee@yahoo.com
2 PhD in Quranic and Hadith Sciences and Assistant Professor of Shahid Chamran University of Ahvaz. m_shamkhi@yahoo.com
3 PhD in Quranic and Hadith Sciences and Assistant Professor of Shahid Chamran University of Ahvaz. Dr.matouri@gmail.com
4 Ph.D student in Quranic and Hadith Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz. maahmoodi1361@gmail.com
Received: 2021/9/13 Accepted: 2021/11/27

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

مقدمه

تاریخ‌گذاری احادیث از روش‌های حدیث‌پژوهی مستشرقان در قرن حاضر است که هدف آن پی بردن به مبدأ تاریخی جعل یا رواج روایات گوناگون و یا پیدایش آنها در منابع حدیثی اولیه است. تاریخ‌گذاری احادیث به روش‌های مختلفی مانند تحلیل اسناد، تحلیل متن، تحلیل مرکب متن و سند و بررسی منبع حدیثی اولیه صورت می‌پذیرد. از جمله اخباری که نیازمند تاریخ‌گذاری برای مشخص شدن زمان رواج آنها توسط راویان و پیدایش و راه یافتن آنها به منابع حدیثی متقدم می‌باشند، اخبار هجرت برخی از مسلمانان به حبشه در صدر اسلام است.

نظر محدثان محقق بر آن است که حبشه کشور معروف در افریقاست که امروزه نام اتیوپی بر آن اطلاق می‌شود (شرّاب، ۱۴۱۱: ۹۶). سرزمین حبشه بسیار گسترده است و در شمال شرقی آن اقیانوس هند و کشور یمن قرار دارد؛ از وسط آن رودی با آب شیرین به نام «سیحون» می‌گذرد که رود نیل از آن آب می‌گیرد (ابن‌تغری‌بردی، [بی‌تا]: ۳۶۱/۲).

حبشه هم در زمان پیامبر(ص) و هم سال‌ها و قرن‌ها پیش از آن برای عرب‌ها از نظر اقتصادی و تاریخی اهمیت زیادی داشت و روابط اقتصادی و تاریخی بین آنها و حبشه قرن‌ها قبل از میلاد پیامبر(ص) برقرار بود (منیسی، ۱۴۲۱: ۲۹؛ طرخان، ۱۹۵۹: ۱۷). همچنین روابط سیاسی بین این دو حتی در زمان نزدیک به ظهور اسلام و بعد از آن نیز وجود داشته است (منیسی، ۱۴۲۱: ۳۰)، اما هجرت برخی از مسلمانان به حبشه در صدر اسلام، از مهم‌ترین جلوه‌های روابط بین آنها بوده است. دربارهٔ اخبار هجرت گروهی از مسلمانان به حبشه پرسش‌هایی مطرح است که: اولاً این اخبار از نظر سندی و تاریخی چگونه ارزیابی می‌شوند؟ ثانیاً تاریخ‌گذاری این اخبار بر مبنای روش‌های تاریخ‌گذاری تحلیل اسناد و منبع اولیه، تاریخ رواج و گسترش این اخبار و راه یافتن آنها به منابع حدیثی اولیه را چه زمانی نشان می‌دهد؟

با توجه به اهمیت موضوع هجرت به حبشه و تأثیر آن در تاریخ اسلام، فرضیه این پژوهش آن است که اخبار مرتبط با این هجرت، در قرن اول قمری توسط راویان متعدد و با سندهای صحیح رواج و گسترش پیدا کرده است؛ موضوعی که هدف این پژوهش، تحقیق و بررسی آن است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

در دوران معاصر دربارهٔ اخبار هجرت گروهی از مسلمانان بـه حبـشه و بررسـی متنی و سندی آنها و دیگر موضوعات مرتبط، تحقیقات و پژوهش‌هایی انجام گرفتـه است که از جمله می‌توان به کتاب *الهجرة إلی الحبشة* نوشتهٔ محمـد فـارس الجمیـل اشاره کرد که ترجمهٔ فارسی آن نیز با عنوان «مهاجرت به حبشه» (علیرضا ذکـاوتی قراگوزلو) موجود است. به ضمیمه کتاب قبلی، کتاب *داستان* هجـرت بـه حبـشه از رسول جعفریان به چاپ رسیده کـه در آن بـه بررسـی ابعـاد گونـاگون ایـن اخبـار پرداخته شده است. البته در کتاب‌های یادشده و دیگر پژوهش‌های معاصر، هـیچ‌گـاه اخبار هجرت به حبشه تاریخ‌گذاری نشده و منشأ پیدایش و زمان رواج آنها مشخص نشده است.

هدف از این پژوهش آن است که ابتدا منابعی که اخبار هجرت بـه حبـشه را بـا سند مشترکی نقل کرده‌اند، بیان شود و این اخبار از نظر سـندی مـورد بررسـی قـرار گیرند. ثانیاً به منظور یافتن حلقه‌های مشترک اصـلی و فرعـی، شـبکهٔ اسـناد بـصری سندهای مشترک ترسیم شود و تاریخ‌گذاری آنها بـه روش مبتنـی بـر تحلیـل بـصری شبکهٔ اسناد به کار رفته توسط ینبل انجام پذیرد. سپس این اخبار به روش مبتنـی بـر منبع اولیه تاریخ‌گذاری شود و در نهایت، برخی از موضوعات مطرح شـده در برخـی از اخبار هجرت به حبشه، از لحاظ تناقض با برخی گزاره‌های تاریخی مورد تحلیـل و بررسی قرار گیرند.

۱. تاریخ‌گذاری بعضی از اخبار هجرت برخی از مسلمانان به حبشه

برای تاریخ‌گذاری دقیق برخی از اخبار مربوط به هجرت به حبـشه، ابتـدا سـندهای مشترک این اخبار بیان شده و راویان آن از نظر رجالی و تاریخ وفات مورد بررسـی قرار گرفته‌اند. برخی از اخبار هجرت به حبشه با حلقه‌های مـشترک سـندی ذیـل، روایت شده‌اند:

الف. حلقه اول: از ابْنُ إِسْحَاقَ از مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ الزُّهْرِيِّ از أَبِـی بَكْـرِ بْـنِ عَبْـدِ الرَّحْمَنِ ابْنِ الْحَارِثِ بْنِ هِشَامٍ الْمَخْزُومِيِّ، از أُمِّ سَلَمَةَ بِنْـتِ أَبِـی أُمَيَّـةَ بْـنِ الْمُغِيـرَةِ زَوْجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ.

این خبر با حلقهٔ مشترک سندی فوق، در منابع ذیل نقل شده است:

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

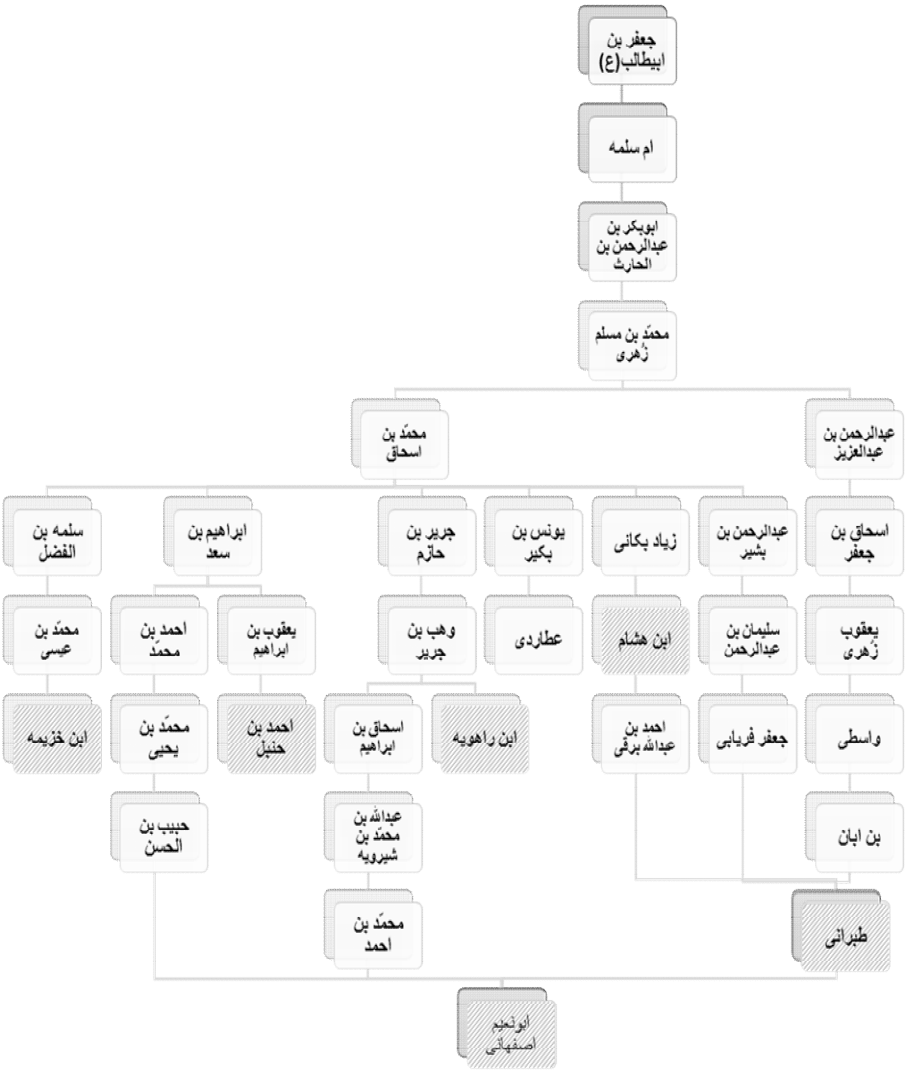

ترسیم شبکهٔ اسناد بصری حلقه مشترک سندی (الف)

سیره ابن‌اسحاق، ص۲۱۳؛ سیره ابن‌هشام، ج۱، ص۳۳۴؛ مسند اسحاق‌بن راهویه، ج۴، ص۷۱؛ مسند احمدبن حنبل، ج۳، ص۲۶۳ و ج۳۷، ص ۱۷۰؛ صحیح ابن‌خزیمه، ج۲؛ ص۱۰۷۹؛ *المعجم الکبیر* طبرانی، ج۲، ص۱۱۱؛ *دلائل النبوه* ابونعیم اصفهانی، ص۲۴۶؛ *معرفة الصحابه* ابونعیم اصفهانی، ج۲، ص۵۱۵.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

در ابتدای حلقهٔ سندی فوق، **الف.** مُحَمَّدُبنُ إِسْحَاقَبن یَسَار (متوفای ۱۵۰–۱۶۰ق) را اگرچه برخی توثیق کرده‌اند (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۳۲۱/۷؛ عجلی، ۱۴۰۵: ۴۰۰؛ ذهبی، ۲۰۰۳: ۱۹۳/۴؛ همو، ۱۴۰۶: ۱۵۹) و برخی وی را امیرالمومنین در حدیث دانسته‌اند (ابن‌عدی، ۱۴۱۸: ۲۶۱/۷)، اما برخی نیز وی را کثیر التدلیس از ضعفاء (علائی، ۱۴۰۷: ۱۰۹؛ ابن‌العراقی، ۱۴۱۵: ۸۱؛ سبط ابن‌العجمی، ۱۴۰۶: ۴۷؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۰۳: ۵۱) و دروغگو معرفی کرده (ابن‌عدی، ۱۴۱۸: ۲۵۵/۷) و برخی جزو ضعفا ذکر کرده‌اند (عقیلی، ۱۴۰۴: ۲۳/۴). البته همان‌گونه که از معرفی وی در برخی کتب رجالی مشخص است (ذهبی، ۱۳۸۷: ۳۴۱) و برخی علما نیز اشاره کرده‌اند، در توثیق یا ضعف و نیز در عدالت وی و احتجاج به روایاتش، بین علما اختلاف نظر وجود دارد (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲: ۷/۲). ابن‌معین نیز وی را در روایت از زهری ضعیف الحدیث دانسته است (ابن‌معین، [بی‌تا]: ۴۳).

ب. محمدبن مسلم‌بن عبیدالله‌بن شهاب زهری (متوفای ۱۲۱–۱۳۰ق)، اعلم زمان خود در حدیث معرفی شده (بخاری، [بی‌تا]: ۲۲۰/۱؛ ذهبی، ۱۴۰۵: ۳۲۸/۵) و توثیق شده است (عجلی، ۱۴۰۵: ۴۱۲؛ ابن‌حبان، ۱۳۹۳: ۳۴۹/۵). همچنین وی مدلس توصیف شده، ولی گفته شده که ائمه قول (عن) از جانب وی را قبول کرده‌اند (علائی، ۱۴۰۷: ۱۰۹؛ ابن‌العراقی، ۱۴۱۵: ۸۹).

ج. ابوبکربن عبدالرحمن‌بن حارث‌بن هشام مخزومی (۹۱–۱۰۰ق) نیز ثقه (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۲۰۸/۵؛ عجلی، ۱۴۰۵: ۴۹۲) و یکی از فقهای سبعه در مدینه است (ذهبی، ۱۴۰۵: ۴۱۶/۴).

البته طبرانی در *معجم الاوسط* (ج۷، ص۲۵۸) خبری را نقل کرده که در سند آن به جای ابن‌اسحاق، عبدالرحمن‌بن عبدالعزیز ذکر شده است. عبدالرحمن‌بن عبدالعزیز انصاری امامی (متوفای ۱۶۱–۱۷۰ق) را جزو ثقات ذکر کرده‌اند (ابن‌حبان، ۱۳۹۳: ۷۵/۷). برخی نیز وی را ثقه دانسته‌اند، اما گفته‌اند دیگران در روایت کردن از زهری، از وی قوی‌ترند (ذهبی، من تکلم فیه و هو موثق، ۱۲۰) و وی در روایت از زهری تضعیف شده است (ذهبی، ۱۳۸۷: ۲۴۳). ابوحاتم نیز وی را مضطرب الحدیث معرفی کرده (ابن‌أبی‌حاتم، ۱۲۷۱: ۲۶۰/۵) و برخی دیگر وی را مجهول دانسته و جزو ضعفا به شمار آورده‌اند (ابن‌عدی، ۱۴۱۸: ۴۶۹/۵).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

گفتنی است در منابع ذکر شدهٔ فوق، گاه انتهای سند بـه جعفـربن أبـی‌طالـب(ع) و گاهی به أم‌سلمه می‌رسد که در نتیجه تفاوت چندانی ندارد.

البته به غیـر از اسـناد فـوق، طبرانـی نیـز در *المعجـم الکبیـر* (ج۲، ص۱۱۰) و در *الاحادیث الطوال* (ص۲۲۰) خبر هجرت به حبشه و حوادث مربوط به آن را با سـند ذیل از جعفربن أبی‌طالب نقل کرده است:

از مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدالرَّحیم الدِّیبَاجیُّ التُّسْتَرِیُّ، از مُحَمَّدُ بْنُ آدَمَ الْمصِّیـصیُّ و از مُحَمَّـدُ بْنُ عَبْد الله الْحَضْرَمَیُّ، از عَبْدُالرَّحْمَن بْنُ سَلْم الرَّازیُّ، هـر دو از أَبُوکُرَیْـب، از أَسَـدُبْنُ عَمْرو الْکُوفیُّ، از مُجَالدُ بْنُ سَعید، از الشَّعْبیِّ، از عَبْد الله بْن جَعْفَر، از پدرش.....

در سند فوق، **الف.** اسدبن عَمرو بجلی کوفی (متوفـای ۱۸۱-۱۹۰ق) را برخـی ثقـه شمرده‌اند (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۳۳۱/۷)، امـا بیـشتر رجـالیون وی را تـضعیف کـرده‌انـد (ر.ک: عقیلی، ۱۴۰۴: ۲۳/۱؛ ابن‌أبی‌حـاتم، ۱۲۷۱: ۳۳۸/۲؛ خطیـب بغـدادی، ۱۴۲۲: ۴۷۰/۷؛ ذهبی، ۱۴۰۵: ۸۰۷/۴).

ب. مجالدبن سعید همدانی (متوفای ۱۴۱-۱۵۰ق) نیـز در حـدیث ضـعیف دانـسته شده است (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۳۴۹/۶). نسایی در یک جا وی را ثقه دانسته و در جـای دیگری گفته است که قوی نیست (ذهبـی، ۱۴۰۵: ۲۸۶/۶). رجـالیون دیگـری ماننـد یحیی‌بن قطان (بخاری، [بی‌تا]: ۹/۸) و ابن‌معین و دارقطنـی وی را تـضعیف کـرده‌انـد (ذهبی، ۱۴۰۵: ۲۸۶/۶). بقیه راویان موثق‌اند.

بحث دیگر و مهم این است که با توجه به تاریخ تولد عبدالله‌بن جعفربن أبی‌طالب که در سال اول قمری (ابن‌حبان، ۱۴۱۱: ۲۷؛ زرکلی، ۲۰۰۲: ۷۶/۴) بوده اسـت،[۱] وی هنگام شهادت پدرش جعفربن أبی‌طالب در نبرد موته که در سـال هـشتم قمـری رخ داده (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۹: ۵۱۱/۲؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲: ۲۴۲/۱)، هفت ساله بوده و شنیدن این خبر و حفظ آن با جزئیات کامل از پدرش در این سن بعید به نظر می‌رسد.

در نهایت، این خبر علاوه بر ضعف برخی راویان در سند آن و شـک و تردیـد در مورد صلاحیت عبـدالله‌بـن جعفـر در دریافـت ایـن خبـر از پـدرش و حفـظ آن بـا

۱ نکتهٔ دیگر اینکه گفته شده است که سن وی هنگام وفات پیامبر(ص) در سال ۱۱ق (ابن اثیر، ۱۴۱۷: ۱۸۰/۲؛ ذهبی، ۲۰۰۳: ۸۲۳/۱) ۱۰ سال داشته است که نشان می‌دهد تاریخ تولد وی همان سـال اول قمـری اسـت. عـلاوه بـر آن، صحیح‌ترین قول آن است که وی در سال ۸۰ق. و در ۸۰ سالگی وفات یافته است (مزی، ۱۴۰۰: ۳۷۲/۱۴).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

جزئیات کامل، دارای اشکال بوده و از صحت آن اطمینان حاصل نمی‌شود؛ به همین دلیل نمی‌توان چندان به مضمون این اخبار اعتماد کرد.

ب. حلقه دوم: از إِسْرَائِيلُ، از أَبِی إِسْحَاقَ، از أَبِی بُرْدَةَ بْنِ أَبِی‌مُوسَی، از پدرش (ابوموسی اشعری)

این خبر با حلقه مشترک سندی فوق در منابع ذیل نقل شده است:

الطبقات الکبری (ج۴، ص۱۰۵)؛ *مصنف* ابن‌أبی‌شیبه (ج۷، ص۳۵۰)؛ *المنتخب من مسند* بن‌حمید (ص۱۹۳)؛ *سنن* أبی‌داود (ج۵، ص۱۱۳)؛ *الاحاد و المثانی* لابن أبی‌عاصم (ج۱، ص۲۷۸)؛ *مسند* رویانی (ج۱، ص۳۳۱)؛ *المستدرک علی الصحیحین* (ج۲، ص۳۳۸)؛ *دلائل النبوة* ابونعیم اصفهانی (ص۲۵۱)؛ *حلیة الاولیاء* ابونعیم (ج۱، ص۱۱۴)؛ *دلائل النبوة* بیهقی (ج۲، ص۲۹۹).

در سند فوق، **الف.** اسرائیل‌بن یونس‌بن أبی‌اسحاق (متوفای ۱۶۱–۱۷۰ق)، هم توثیق (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۳۷۴/۶؛ عجلی، ۱۴۰۵: ۶۳؛ ابن‌أبی‌حاتم، ۱۲۷۱ق: ۳۳۱/۲؛ ابن‌حبان، ۱۳۹۳: ۷۹/۶) و هم تضعیف دارد (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۳۷۴/۶؛ ذهبی، ۱۴۰۵: ۳۵۸/۷). گفته شده است که اسرائیل در روایت از ابواسحاق پدربزرگش قوی نیست (فیه لین)؛ زیرا در اواخر عمرش از وی روایت کرده است (ابن‌أبی‌حاتم، ۱۲۷۱: ۳۳۱/۲). به هر حال، همان‌گونه که برخی رجالیون گفته‌اند (عقیلی، ۱۴۰۴: ۱۳۱/۱) در شخصیت رجالی این راوی اختلاف نظر وجود دارد.

ب. ابواسحاق که نام کامل وی عمروبن عبدالله سبیعی همدانی کوفی (متوفای ۱۲۱–۱۳۰ق) است، ثقه بوده (ابن‌حبان، ۱۳۹۳: ۱۷۷/۵؛ ذهبی، ۱۴۰۵: ۳۹۴/۵) و برخی وی را جزو مدلسین ذکر کرده‌اند (نسایی، ۱۴۲۳ [ب]: ۱۲۲؛ ابن‌العراقی، ۱۴۱۵: ۷۷؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۰۳: ۴۲). گفته شده است که وی در اواخر عمرش مختلط شده است (علائی، ۱۴۱۷: ۹۳). بقیه راویان موثق‌اند.

بحث دیگر اینکه هجرت ابوموسی اشعری، ناقل اول این خبر، به حبشه ثابت نشده و این موضوع مورد شک و تردید است. برخی وی را جزو مهاجران به حبشه ذکر کرده‌اند (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۹: ۱۷۴۹/۴) و برخی دیگر نیز اخبار مربوط به حبشه را از طریق وی نقل کرده‌اند که نشان می‌دهد او یکی از مهاجران به حبشه بوده است (ر.ک. به: ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۱۰۵/۴). برخی دیگر وی را از مهاجران‌به

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

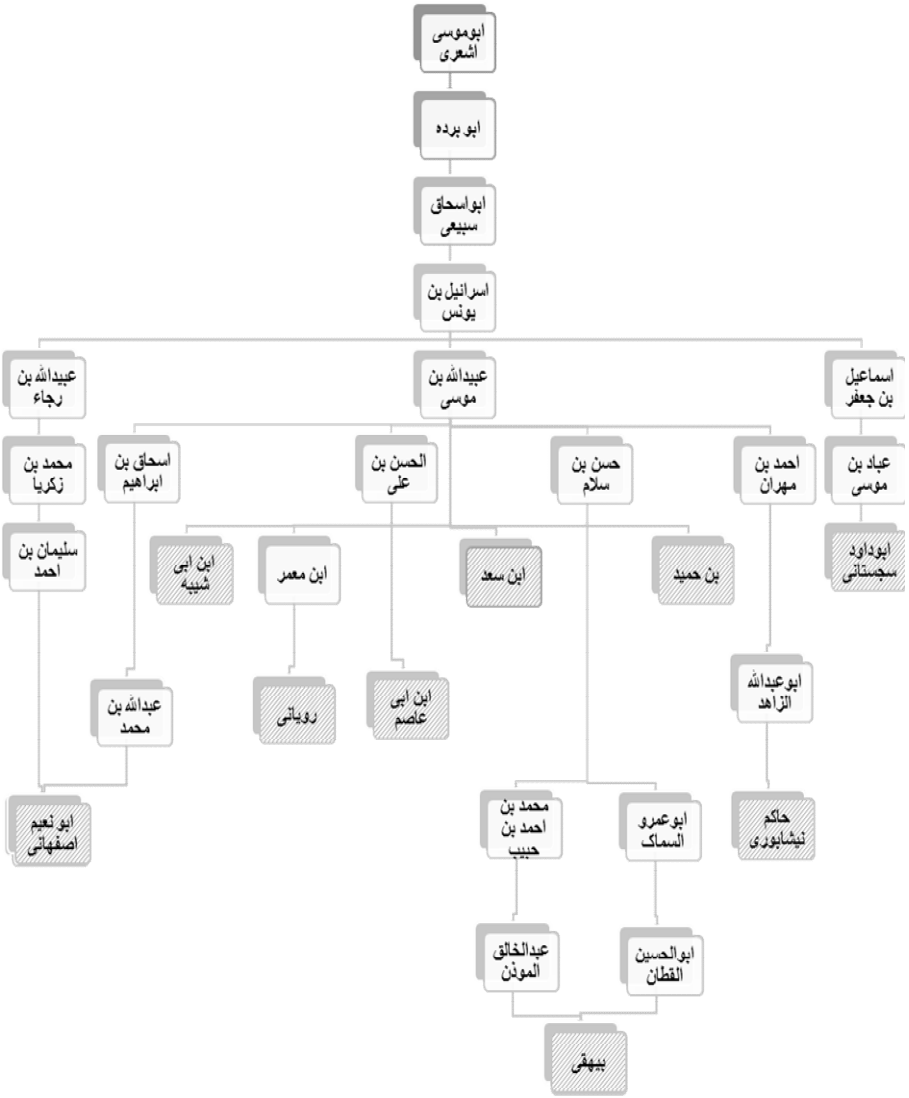

ترسیم شبکهٔ اسناد بصری حلقه مشترک سندی (ب)

حبشه به شمار نیاورده‌اند (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۷۶۳/۴). ذهبی با اشاره به سند اخبار هجرت منتهی به وی، به شمار آوردن ابوموسی اشعری جزو مهاجران حبشه را وهم برخی از راویان دانسته است (ذهبی، ۲۰۰۳: ۵۸۲/۱). بنابراین به دلیل اینکه یکی از

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

راویان اصلی خبر هجرت به حبشه، ابوموسی اشعری است و اثبات یا نفی وجود وی همراه مهاجران به حبشه، ارتباط مستقیمی با صحت یا عدم صحت اخبار هجرت نقل شده توسط وی دارد، در این بخش به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود.

بعضی اخبار نشان می‌دهد که ابوموسی اشعری از بلاد خود به مکه عزیمت کرده و با شخصی به نام سعیدبن عاص هم‌پیمان شده و بعد از اسلام آوردن، به حبشه هجرت کرده و در سال فتح خیبر همراه دیگر مهاجران بازگشته است:

۱. از مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرو و برخی دیگر از اهل علم: أَنَّ أَبَا مُوسَى الْأَشْعَرِيَّ قَدمَ مَكَّةَ، فَحَالَفَ سَعِيدَبْنَ الْعَاصِ بْنِ أُمَيَّةَ أَبَا أُحَيْحَةَ وَ أَسْلَمَ بِمَكَّةَ وَ هَاجَرَ إِلَى أَرْضِ الْحَبَشَةِ، ثُمَّ قَدِمَ مَعَ أَهْلِ السَّفِينَتَيْنِ وَ رَسُولُ اللَّهِ صلّى الله علیه و سلم بِخَيْبَرَ (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۱۰۵/۴).

سند فوق علاوه بر اینکه هویت محمدبن عَمرو در ابتدای آن مشخص نیست، مرسل و در نهایت ضعیف شمرده می‌شود، اما در خبری متناقض با خبر فوق آمده است که ابوموسی هیچ هم‌پیمانی در مکه نداشته و از مهاجران حبشه نبوده و پس از اسلام آوردن به بلاد خود برگشته است. این خبر با سند ذیل آمده است:

۲. از مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ، از خَالِدُ بْنُ إِلْيَاسَ، از أَبِي‌بَكْرِ بْنِ عَبْدِاللَّهِ بْنِ أَبِي الْجَهْمِ، قَالَ: لَيْسَ أَبُومُوسَى منْ مُهَاجِرَةِ الْحَبَشَةِ، وَ لَيْسَ لَهُ حَلْفُ فِي قُرَيْشٍ وَ قَدْ كَانَ أَسْلَمَ بِمَكَّةَ قَدِيمًا، ثُمَّ رَجَعَ إِلَى بِلَادِ قَوْمِه... (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۱۰۵/۴).

در سند فوق، **الف**. در مورد شخصیت رجالی محمدبن عمربن واقد اسلمی (متوفای ۲۰۱-۲۱۰ق) همان‌گونه که برخی رجالیون ذکر کرده‌اند (دارقطنی، ۱۴۰۳: ۱۳۰/۳)، اختلاف نظر وجود دارد؛ زیرا برخی وی را ثقه (ذهبی، ۱۴۰۵: ۴۶۱/۹) و برخی دیگر مانند نسایی، وی را غیرثقه دانسته‌اند (ذهبی، ۱۴۰۵: ۴۵۷/۹). ابن‌معین نیز وی را وضاع حدیث معرفی کرده است (ابن‌معین، ۱۳۹۹: ۱۶۰/۳؛ نسایی، ۱۴۲۳ [الف]: ۷۶). همچنین گفته شده که وی متروک الحدیث بوده و احمدبن حنبل وی را ترک کرده است (بخاری، [بی‌تا]: ۱۷۸/۱؛ ابن‌عدی، ۱۴۱۸: ۴۸۱/۷). برخی گفته‌اند که وی متروک الحدیث بوده و همهٔ کتاب‌هایش دروغ است (ابن‌أبی‌حاتم، ۱۲۷۱: ۲۱/۸). وی احادیث مقلوب و معضل را به صورت عمدی از ثقات روایت می‌کرد و وضاع حدیث بوده است (ابن‌حبان، ۱۳۹۶ق: ۲۹۰/۲). برخی دیگر وی را

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

دروغگو خوانده و جزو ضعفا بیان کرده‌اند (عقیلی، ۱۴۰۴: ۱۰۷/۴؛ ابن‌عدی، ۱۴۱۸: ۴۸۱/۷؛ مزی، ۱۴۰۰: ۱۸۶/۲۶). به قول برخی از رجالیون، اجماع بر ضعف وی است (ذهبی، ۱۳۸۲: ۶۶۶/۳).

ب. خالدبن الیاس مدنی (متوفای ۱۶۱–۱۷۰ق) تضعیف شده (ابن‌معین، ۱۳۹۹: ۱۶۰/۳؛ ابن‌حبان، ۱۳۹۶: ۲۷۹/۱؛ دارقطنی، ۱۴۰۳: ۱۵۱/۲) و متروک (نسایی، ۱۳۹۶: ۳۶) و منکر الحدیث (عقیلی، ۱۴۰۴: ۳/۲) است. علاوه بر آن، این سند مرسل و در نهایت ضعیف می‌باشد.

گفتنی است در ابتدای برخی از اخبار هجرت به حبشه که سند آن به ابوموسی منتهی می‌شود، عبارت «أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّه صَلَّى اللهُ عَلَيْه وَ سَلَّمَ أَنْ نَنْطَلِقَ مَعَ جَعْفَر بْن أَبی طَالب» آمده است. این عبارت نشان می‌دهد که ابوموسی اشعری نه تنها جزو مهاجران به حبشه بوده، بلکه همزمان و همراه با جعفربن أبی‌طالب(ع) و یارانش از مکه به سوی حبشه هجرت کرده است. بیهقی سند خبر اتفاقات مرتبط با گفت‌وگوی مسلمانان و نجاشی پادشاه حبشه را که توسط ابوموسی نقل شده، صحیح می‌داند، اما از نظر وی هجرت ابوموسی همزمان با هجرت جعفر و یارانش و به همراه آنها نبوده و عبارت «أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّه صَلَّى اللهُ عَلَيْه وَ سَلَّمَ أَنْ نَنْطَلِقَ مَعَ جَعْفَرِبْن أَبی‌طَالب» را وهم راوی دانسته است (بیهقی، ۱۴۰۵: ۳۰۰/۲). از نظر وی، ابوموسی و یارانش که در یمن بوده‌اند، هنگام شنیدن خبر بعثت پیامبر(ص) با کشتی به سوی مکه حرکت کرده بودند، اما در میان راه طوفان کشتی آنها را به ساحل حبشه برده بود. در آنجا و با پیشنهاد جعفربن أبی‌طالب(ع) در حبشه ماندگار شدند و تا زمان جنگ خیبر در آنجا ماندند. در نتیجه، ابوموسی شاهد ماجراها و گفت‌وگوهای بین نجاشی و جعفر بوده است (همان).

برخی دیگر وی را از مهاجران به حبشه به شمار نیاورده‌اند. از نظر این دسته به دلیل اینکه ابوموسی از بلاد خود با تعدادی از افراد قومش به وسیله کشتی عازم مدینه شد و ورود آنها به مدینه همزمان با بازگشت جعفر و یارانش از حبشه با کشتی دیگری بوده، برخی گمان برده‌اند که وی همراه با مهاجران به حبشه بوده است (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۱۰۵/۴؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۷۶۳/۴). برخی نیز برآن‌اند که بعد از اینکه ابوموسی اشعری با تعدادی از یارانش به قصد دیدار با پیامبر(ص) عازم

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

مدینه شدند، در میانهٔ راه باد و طوفان کشتی آنها را به طرف حبشه برد و حرکت دوبارهٔ آنها از حبشه، با خروج و برگشت جعفر و یارانش به مدینه با کشتی جداگانه‌ای همزمان بوده است (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۲۶۴/۳). خبر ذیل مؤید داستان روانه شدن کشتی ابوموسی اشعری و یارانش توسط طوفان به سوی حبشه و دیدار با جعفربن أبی‌طالب(ع) و یارانش در آنجا و سپس بازگشت به مدینه همراه با هم است:

۳. از مُحَمَّدُ بْنُ سَعْد از أَبی أُسَامَةَ، از بُرَیْدُ بْنُ عَبْداللَّه بْن أَبی بُرْدَةَ، از أَبی مُوسَی الْأَشْعَرِیِّ، قَالَ: هَاجَرْنَا مِنَ الْیَمَن فی بضْعَة وَ خَمْسینَ رَجُلًا مِنْ قَوْمی وَ نَحْنُ ثَلَاثَةُ إِخْوَة: أَبُومُوسَی وَ أَبُورُهْم وَ أَبُوبُرْدَةَ فَأَخْرَجَتْهُمْ سَفینَتُهُمْ إِلَی اَلنَّجَاشِیِّ وَ عِنْدَهُ جَعْفَرُ بْنُ أَبیطَالب وَ أَصْحَابُهُ فَأَقْبَلُوا جَمیعًا فی سَفینَة إِلَی النَّبِیِّ صَلّی اللهُ عَلیه وَ سلم حِینَ افْتَتَحَ خَیْبَرَ... (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۱۰۶/۴).

در سند فوق، بریدبن عبداللهبن أبی‌برده (متوفای ۱۴۱–۱۵۰ق) هم توثیق دارد (ابن‌معین، ۱۳۹۹: ۴۷/۴؛ عجلی، ۱۴۰۵: ۷۸؛ ابن‌حبان، ۱۳۹۳: ۱۱۶/۶) و هم جزو ضعفا ذکر شده (نسایی، ۱۳۹۶: ۲۳؛ ابن‌عدی، ۱۴۱۸: ۲۴۴/۲) و هم روایات منکری روایت کرده است (عقیلی، ۱۴۰۴: ۱۵۷/۱). بنابراین صحت این خبر نیز مورد شک و تردید است.[۱] برخی نیز می‌گویند بعد از اینکه طوفان کشتی ابوموسی و یارانش را به حبشه برد، آنها برای مدتی در حبشه اقامت کردند و سپس همراه با جعفر و سایر هجرت کنندگان به مدینه بازگشتند؛ به همین دلیل ابن‌اسحاق وی را جزو مهاجران به حبشه ذکر کرده است (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۷۶۳/۴). این خبر با سند ذیل نقل شده است:

۴. از یُوسُفُ بْنُ مُوسَی، از عُبَیْدُ اللَّه بْنُ مُوسَی، از إِسْرَائیلَ، از أَبیإِسْحَاقَ، از أَبیبُرْدَةَ، از أَبیمُوسَی، قَالَ: «بَلَغَنَا مَخْرَجُ رَسُول اللَّه صَلَّی اللهُ عَلَیْه وَ سَلَّمَ، فَخَرَجْنَا مُهَاجرینَ حَتَّی أَلْقَتْنَا سَفینَتُنَا إِلَی النَّجَاشِیِّ بِالْحَبَشَةَ فَوَافَقْنَا جَعْفَرَ بْنَ أَبیطَالب وَ أَصْحَابَهُ عِنْدَ النَّجَاشِیِّ فَقَالَ جَعْفَرُ «إِنَّ رَسُولَ اللَّه صَلَّی اللهُ عَلَیْه وَ سَلَّمَ بَعَثَنَا هَاهُنَا وَ أَمَرَنَا بِالْإِقَامَة فَأَقَمْنَا مَعَهُ حَتَّی قَدِمْنَا جَمیعًا» (بزار، ۲۰۰۹: ۱۵۶/۴).

---

۱ ابونعیم اصفهانی (۱۴۱۹: ۱۹۳/۱) نیز این خبر را از با سند خود «أَبُو أُسَامَة، عَنْ بُرَیْدَ، عَنْ أَبِی بُرْدَة، عَنْ أَبِیمُوسَی» روایت کرده است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

این سند مشابه سند خبری می‌باشد که در آن ابوموسی خود را جزو مهاجرانی دانسته است که از مکه مستقیماً عازم حبشه شده‌اند؛ که در آن اسرائیل‌بن یونس هم توثیق و هم تضعیف دارد.[۱] بقیهٔ راویان توثیق شده‌اند.[۲]

اخبار دیگری نیز مبنی بر مهاجرت ابوموسی اشعری به حبشه به صورت مرسل نقل شده است:

۵. از أَبُوالْعَبَّاس مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، از أَحْمَدُ بْنُ عَبْد الْجَبَّار، از يُونُسُ بْنُ بُكَيْر، از ابْن إِسْحَاقَ قَالَ: «كَانَ أَبُومُوسَى الْأَشْعَرِيُّ مِمَّنْ هَاجَرَ إِلَى أَرْضِ الْحَبَشَةِ وَ أَقَامَ بِهَا...» (حاکم نیشاپوری، ۱۴۱۱: ۵۲۶/۳).

در سند فوق، **الف.** احمد را که نام کامل وی احمدبن عبدالجَبَّار عُطاردی (متوفای ۲۷۱-۲۸۰ق) است، برخی جزو مدلسین ذکر کرده‌اند؛ زیرا از بیشتر کسانی از آنها روایت نقل کرده، سماع نداشته است (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۰۳: ۳۷). برخی دیگر وی را ضعیف و دروغگو دانسته (مزی، ۱۴۰۰: ۳۸۰/۱؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۱۱۲/۱) و برخی نیز گفته‌اند که در وی اختلاف است (مغلطای‌بن قلیج، ۱۴۲۲: ۷۳/۱؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۱۱۲/۱)، اما از نظر برخی دیگر اجماع بر تضعیف وی است (ابن‌عدی، ۱۴۱۸: ۳۱۳/۱؛ ذهبی، ۲۰۰۳: ۴۸۵/۶).

ب. یونس که نام کامل وی يُوْنُسُ بنُ بُكَيْر بن واصل شیبانی کوفی (متوفای ۱۹۱-۲۰۰ق) است، هم توثیق (ابن‌عدی، ۱۴۱۸: ۵۲۲/۸؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق: ۴۷۷/۴؛ همو، ۱۴۰۵: ۲۴۶/۹) و هم تضعیف دارد (ابن‌کثیر، ۱۴۳۲: ۴۷۵/۲؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۴۷۷/۴).

ج. مُحَمَّدُبنُ إِسْحَاقَ‌بن يَسَار (متوفای ۱۵۰-۱۶۰ق) نیز مورد اختلاف است.[۳] بنابراین نحوه و چگونگی هجرت ابوموسی به حبشه به عنوان یکی از راویان اخبار هجرت به حبشه، مورد شک و تردید بوده و با تناقضات و اضطرابات فراوانی بیان شده است و نمی‌توان صحت اخبار نقل شده از وی در مورد اصل هجرت به حبشه را مورد تأیید قرار داد؛ زیرا اثبات اصل هجرت به حبشه و حوادث مرتبط با آن، از

۱ ترجمهٔ وی در اخبار پیشین ذکر و مشخص شد که هم توثیق و هم تضعیف دارد و گفته شده است که وی در روایت از ابواسحاق پدربزرگش قوی نیست.

۲ مسلم (ابی‌تا): ۱۹۴۶/۴) و بخاری (۱۴۲۲: ۹۰/۴) و ابونعیم اصفهانی (۱۴۱۹: ۵۱۴/۲) این خبر را با سند «أَبُو أُسَامَة، عَنْ بُرَيْد، عَنْ أَبِي بُرْدَة، عَنْ أَبِي مُوسَى» نقل کرده‌اند.

۳ ترجمهٔ وی در اخبار پیشین ذکر و مشخص شد که هم توثیق و هم تضعیف دارد.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

طریق استناد به کسی که در وجود یا عدم وجود وی در بین هجرت کنندگان به حبشه اختلاف نظر وجود دارد، دور باطل است.

ج. حلقه سوم: از حُدَیْجُ بْنُ مُعَاوِیَةَ، از أَبِی‌إِسْحَاقَ، از عَبْداللَّهِ بْنِ عُتْبَةَ، از عَبْداللَّهبْنِ مَسْعُود....

این خَبَر با حلقهٔ مشترک سندی فوق در منابع ذیل نقل شده است:

مسند طیالسی، ج۱، ص۲۷۰؛ سنن ابن‌منصور، ج۲، ص۲۲۷؛ مسند احمدبن حنبل، ج۷، ص۴۰۸؛ *دلائل النبوه* بیهقی، ج۲، ص۲۹۷.

در سند فوق، **الف**. حدیج‌بن معاویةبن حدیج جعفی کوفی (متوفای ۱۷۱-۱۸۰ق) توسط ابن‌معین تضعیف شده (ابن‌معین، ۱۳۹۹: ۲۷۶/۳) و ابن‌سعد نیز وی را در حدیث ضعیف دانسته است (وَ کَانَ ضَعِیفاً فی الْحَدیث) (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۳۷۷/۶). بیشتر رجالیونی که در زمینهٔ معرفی ضُعفا کتاب نگاشته‌اند، نام وی را در کتب خود

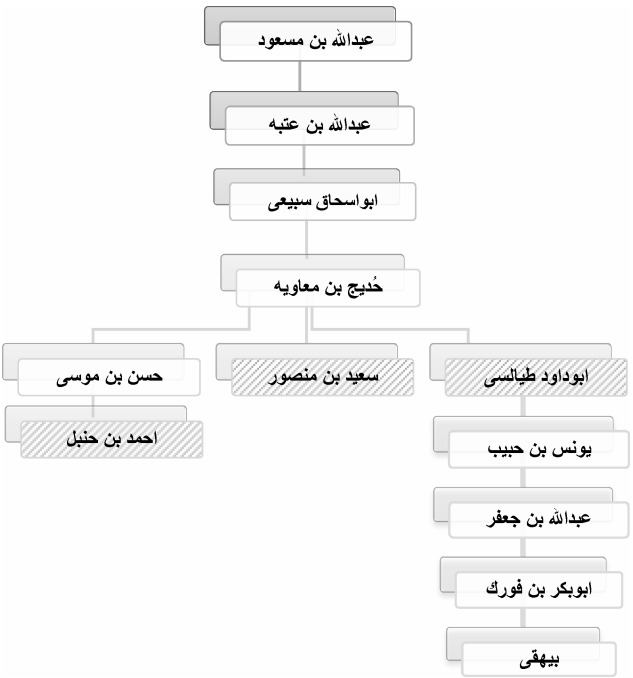

ترسیم شبکهٔ اسناد بصری حلقهٔ مشترک سندی (ج)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

ذکر کرده‌اند (نسایی، ۱۳۹۶: ۲۹؛ عقیلی، ۱۴۰۴: ۲۹۶/۱؛ ابن‌حبان، ۱۳۹۶: ۲۷۱/۱؛ ابن‌عدی، ۱۴۱۸: ۳۵۶/۳؛ دارقطنی، ۱۴۰۳: ۱۵۰/۲).

ب. شخصیت ابواسحاق سبیعی[۱] در اخبار پیشین بررسی شد. بقیهٔ راویان در این سند توثیق شده‌اند. این سند به دلیل ضعف حدیج‌بن معاویه تضعیف می‌شود.

۲. تاریخ‌گذاری برخی از اخبار هجرت به حبشه بر مبنای سند

هدف از تاریخ‌گذاری احادیث، پی بردن به خاستگاه تاریخی آنها است. تاریخ‌گذاری احادیث به روش‌های مختلفی انجام می‌شود. یکی از روش‌های تاریخ‌گذاری احادیث، تحلیل اسناد مبتنی بر شناخت و یافتن حلقهٔ مشترک اصلی[۲] و حلقهٔ مشترک فرعی[۳] است.

خوتیر ینبُل حلقهٔ مشترک را ابزاری مفید می‌دانست که با استفاده از آن می‌توان به تاریخ تقریبی و خاستگاه احتمالی حدیث دست یافت (آقایی، ۱۳۸۹: ۲۹). «حلقه مشترک» اصطلاحی است که پیشتر توسط شاخت وضع شده و ینبُل در عمل به‌طور گسترده‌ای آن را به کار بست و مفهوم آن را بسط و گسترش داد (آقایی، ۱۳۸۵: ۱۴۷). حلقهٔ مشترک از نظر شاخت نیز نخستین کسی است که حدیث را رواج داده است. بدین ترتیب، این حدیث باید در بهترین حالت از زمان حلقهٔ مشترک پدید آمده باشد (گلدتسیهر و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۳). شاخت و ینبُل این پایین‌ترین حلقهٔ مشترک در هر حدیث را پدید آورنده یا جاعل آن حدیث خوانده‌اند (آقایی، ۱۳۸۵: ۱۵۲؛ موتسکی، ۱۳۹۴: ۴۹). البته از نظر برخی، شواهد فراوانی وجود دارد برای اینکه حلقه‌های مشترک را واضع یا به بیان دقیق‌تر جاعل روایات ندانیم، بلکه آنها را نخستین گردآورندگان و نشردهندگان حرفه‌ای روایات تلقی کنیم (گلدتسیهر و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۲). ینبُل برای تشخیص خاستگاه اسناد، پس از شناسایی و

---

۱ ترجمهٔ کامل وی در بررسی حلقه مشترک سندی پیشین ذکر شد و ثقه است.

۲ شاخت و به تبع او یُنبُل می‌دیدند که بسیاری از احادیث فقط با یک سلسله‌سند واحد نقل نشده‌اند، بلکه گاه چندین سند مختلف و متعدد دارند و این سندها غالباً به ناقل مشترکی در نسل سوم یا چهارم پس از پیامبر(ص) می‌رسند. شاخت این راوی مشترک را «(پایین‌ترین) حلقه مشترک» نامیده است (موتسکی، ۱۳۹۴: ۴۸).

۳ مراد برخی از مستشرقان از حلقهٔ مشترک فرعی، راوی‌ای است که خود شاگردانی داشته و آنها روایت را از او نقل کرده‌اند (آقایی، ۱۳۸۵: ۱۵۰؛ موتسکی، ۱۳۹۴: ۵۱).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

گردآوری تمامی اسانید یک روایت از کتب حدیثی، آنها را در نوعی نقشه با عنوان «شبکه اسناد» ترسیم کرده است؛ زیرا به نظر وی نظریه‌پردازی دربارهٔ خاستگاه و مراحل تطور اسانید، بدون بهره‌گیری از یک ابزار کمکی دیداری به نام «حلقه مشترک»، عملی نیست (آقایی، ۱۳۸۵: ۱۴۷).

در بخش قبل، برای یافتن حلقه‌های مشترک اصلی و فرعی، شبکهٔ اسناد بصری برخی از اخبار هجرت به حبشه ترسیم شد تا مشخص شود که این اخبار در صورت جعلی بودن، در چه مقطع زمانی و توسط کدام راوی جعل شده یا دست‌کم بتوان گفت که این اخبار توسط راوی رواج و نشر داده شده است.

طبق شبکهٔ اسناد (الف)، ملاحظه می‌شود که حلقهٔ مشترک اصلی این اخبار محمدبن مسلم زُهری (متوفای ۱۲۱-۱۳۰ق) است که موثق است و نمی‌تواند جاعل این اخبار باشد، اما حلقهٔ مشترک فرعی اول این سندها محمّدبن اسحاق‌بن یسار (متوفای ۱۵۰-۱۶۰ق) است که همان‌گونه که گفته شد، در توثیق یا تضعیف وی اختلاف نظر وجود دارد و ابن‌معین وی را در روایت کردن از زُهری ضعیف دانسته است. حلقهٔ مشترک فرعی دوم نیز عبدالرحمن‌بن عبدالعزیز انصاری امامی (متوفای ۱۶۱-۱۷۰ق) است که وی نیز هم توثیق و هم تضعیف شده و در روایت کردن از زُهری تضعیف شده است.

طبق شبکهٔ اسناد (ب)، ملاحظه می‌شود که حلقهٔ مشترک اصلی، یعنی اسرائیل‌بن یونس‌بن أبی‌اسحاق (متوفای ۱۶۱-۱۷۰ق)، هم توثیق و هم تضعیف دارد و همان‌گونه که گفته شد، وی در روایت کردن از پدربزرگش ابواسحاق سبیعی ضعف دارد. حلقهٔ مشترک فرعی این سند نیز عبیدالله‌بن موسی باذام (متوفای ۲۱۱-۲۲۰ق) است که موثق می‌باشد (عجلی، ۱۴۰۵: ۳۱۹؛ ابن‌حبان، ۱۳۹۳: ۱۵۲/۷).

در شبکهٔ اسناد (ج) حلقهٔ مشترک اصلی حدیج‌بن معاویه جعفی (متوفای ۱۷۱-۱۸۰ق) می‌باشد که تضعیف شده است. بنابراین و با توجه به شبکه‌های اسناد بصری ترسیم شده در فوق و با توجه به اختلاف در توثیق یا تضعیف حلقه‌های مشترک فرعی در بخش (الف) و اختلاف دربارهٔ توثیق یا تضعیف حلقهٔ مشترک اصلی در بخش (ب) و همچنین تضعیف حلقه مشترک اصلی در بخش (ج) و با دقت و امعان در تاریخ وفات این راویان، به نظر می‌رسد که برخی از اخبار هجرت به حبشه در

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

نیمهٔ اول قرن دوم قمری وضع شده یا دست‌کم در این زمان رواج و گسترش پیدا کرده‌اند.

۲-۱. تاریخ‌گذاری اخبار هجرت بر مبنای منبع

علاوه بر سند، برای تعیین دورهٔ زمانی شکل‌گیری اخبار و روایات می‌توان از معیار منبع نیز بهره گرفت؛ به این ترتیب که ببینیم هر خبر یا روایت اولین بار چه زمانی به منابع حدیثی راه یافته است (موتسکی، ۱۳۹۴: ۵۴). قدیمی‌ترین منبعی که خبر یا روایتی در آن می‌یابیم، حد نهایی زمان[1] است؛ یعنی این خبر یا روایت دست‌کم در زمان تألیف یا تدوین آن کتاب باید وجود می‌داشت (همان)، اما شاخت و ینبُل از این هم فراتر رفتند و مدعی شدند زمان و مکان تألیف این قدیمی‌ترین منبع، مهد پیدایش[2] خبر یا روایت مورد بحث بوده است؛ یعنی از آنها این خبر یا روایت پیش از تألیف آن منبع وجود نداشته است (همان).

با مدّ نظر قرار دادن نظریه‌های فوق و با دقت و بررسی برخی از اخبار هجرت به حبشه، استنتاج می‌شود که اصیل‌ترین و معتبرترین منبعی که امروزه به‌طور کامل به دست ما رسیده و خبر هجرت به حبشه برای اولین بار در آن نقل شده، کتاب سیره ابن‌هشام تألیف عَبْدُالمَلِک‌بنُ هشَامِبن أَیُّوْبَ مَعَافِریُّ (متوفای ۲۱۱-۲۲۰ق) است. با توجه به تاریخ وفات این سیره‌نگار، دریافته می‌شود که برخی از اخبار هجرت به حبشه، اولین بار در نیمهٔ اول قرن سوم قمری یا دست‌کم در نیمهٔ دوم قرن دوم قمری به منابع اصیل و قدیمی روایی راه یافته است. البته و با توجه به اینکه کتاب ابن‌هشام تهذیب و تنقیح کتاب سیره ابن‌اسحاق است (ابن اسحاق، ۱۳۹۸: ۱۰، مقدمه؛ ابن هشام، ۱۳۷۵: ۳، مقدمه) و ابن‌هشام از شخصی به نام زیاد بَکائی (۱۸۱-۱۹۰ق) سیره را از ابن‌اسحاق روایت کرده (ذهبی، ۱۴۰۵: ۴۲۹/۱۰؛ ابن‌قطلوبغا، ۱۴۳۲: ۴۷۴/۶؛ هوروفتس، ۱۴۲۱: ۹۸)، مشخص نیست که وی به چه نحوی آن را از بَکائی برگرفته است؟ آیا آن را به طریق سماع یا به طریق وجاده یا اجازه از آن روایت کرده است؟ به هر حال، ابن‌هشام در مقدمه کتاب خود به این موضوع هیچ اشاره‌ای نکرده است (ابن‌اسحاق، ۱۳۹۸: ۱۴).

1 terminus ante quem 2 breeding ground

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

زیادبن عبدالله بَکائی (۱۸۱-۱۹۰ق) خود نیز تضعیف شده است (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۳۹۶/۶؛ عقیلی، ۱۴۰۴: ۷۹/۲؛ نسایی، ۱۳۹۶: ۴۵؛ ابن‌حبان، ۱۳۹۶: ۳۰۶/۱؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۲: ۴۹۹/۹؛ مزی، ۱۴۰۰: ۴۸۸/۹)، اما برخی از رجالیون بدون ذکر هیچ‌گونه دلیل خاصّی گفته‌اند که بَکائی اگرچه در حدیث ضعیف است، ولی در نقل مغازی مشکلی ندارد (ابن‌معین، [بی‌تا:] ۱۱۴؛ ابن‌عدی، ۱۴۱۸: ۱۳۷/۴؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۲: ۴۹۹/۹؛ ذهبی، ۱۳۸۷: ۱۴۸).

۳. ارزیابی متن برخی از اخبار هجرت به حبشه براساس گزاره‌های تاریخی

بررسی اخبار مربوط به برپایی مجلس نجاشی در حبشه و حضور مسلمانان در آن مجلس، نشان از آن دارد که موضوعات مختلفی در آن گفت‌وگوها مطرح شده است؛ موضوعاتی که نماینده و متکلم مسلمانان یعنی جعفربن أبی‌طالب(ع) برای دفاع از خود و بقیهٔ یارانش به زبان آورده است. از جملهٔ این موضوعات، ذم جاهلیت و تعریف از اسلام و پیامبر(ص)، نام بردن از برخی احکام الهی که پیامبر(ص) نسبت به انجام آنها امر فرموده است (مانند نماز و روزه و زکات و امر به معروف و صلهٔ رحم و غیره)، تبیین عقیدهٔ مسلمانان دربارهٔ حضرت عیسی(ع) و تلاوت آیاتی از سوره مریم(ع) بوده است (ابن‌اسحاق، ۱۳۹۸: ۲۱۳؛ طیالسی، ۱۴۱۹: ۲۷۰/۱؛ ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۳۳۴/۱؛ ابن‌أبی‌شیبه، ۱۴۰۹: ۳۵۰/۷؛ ابن‌راهویه، ۱۴۱۲: ۷۱/۴).

در بین برخی از اخبار هجرت به حبشه اختلافات متنی و محتوایی فراوانی وجود دارد، اما با توجه به مطرح شدن برخی از مسائل شرعی و نام بردن از عباداتی مانند نماز و روزه و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و غیره از زبان مسلمانان، این پرسش مطرح می‌شود که آیا این عبادات در زمان هجرت مسلمانان به حبشه، تشریع شده بودند یا خیر؟ و اگر در آن زمان تشریع نشده‌اند، چگونه در این اخبار از آنها یاد شده است؟ گفتنی است که در روایت أم‌سلمه (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۳۳۴/۱) از نماز، روزه و زکات و در روایت ابوموسی (ابن‌أبی‌شیبه، ۱۴۰۹: ۳۵۰/۷؛ ابن‌حمید، ۱۴۰۸: ۱۹۳) از نماز و زکات و نهی از منکر نام برده شده است. در ذیل به بررسی زمان تشریع برخی از این احکام پرداخته شده است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

۳-۱. زمان تشریع نماز

از منابع روایی فریقین برمی‌آید که نماز همزمان با واقعهٔ معراج پیامبر(ص) تشریع شده است. برای نمونه، در *صحیح* بخاری بخش «باب الصلاة» در مورد چگونگی تشریع نماز در شب معراج پیامبر(ص) روایتی ذکر شده است (بخاری، ۱۴۲۲: ۷۸/۱). در منابع روایی و کتب سیرهٔ اهل سنت نیز روایت‌هایی مشابه روایت بخاری دربارهٔ چگونگی تشریع نمازهای یومیه پنج‌گانه در شب معراج نقل شده است (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۴۰۷/۱؛ ابن‌حنبل، ۱۴۲۱: ۸۶/۲۰؛ مسلم، [بی‌تا]: ۱۴۵/۱؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۸: ۲۷۸/۴). همچنین در بعضی از منابع شیعه خبر تعلیم نماز به پیامبر(ص) توسط خداوند ضمن حدیث معراج نقل شده است (کلینی، ۱۳۶۳: ۴۸۳/۳). همچنین روایتی در کتاب *وسائل الشیعه* شبیه به روایات اهل سنت دربارهٔ تشریع نماز در شب معراج نقل شده است (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۷/۳).

به این ترتیب و با توجه به اینکه منابع فریقین بر آغاز تشریع نمازهای یومیهٔ پنج‌گانه در شب معراج اتفاق نظر دارند و نیز با در نظر گرفتن زمان شب معراج پیامبر(ص) که به قول برخی از علما سال دوازدهم بعثت (کاشانی، ۱۳۳۳: ۲۳۶/۵) یا شانزده ماه پیش از هجرت پیامبر(ص) به مدینه بوده (ابن‌کثیر، ۱۴۱۸: ۲۶۹/۴)، از نظر برخی از محققان ذکر نماز در سخنان جعفربن أبی‌طالب(ع) در اخبار مرتبط با هجرت به حبشه که در سال پنجم بعثت بوده (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۲۰۴/۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۲۹/۲)، دارای اشکال است (العوده، [بی‌تا]: ۶۲). البته اخباری نقل شده است که نشان می‌دهد نماز از ابتدای بعثت بر پیامبر(ص) و مسلمانان تشریع شده بود و پیامبر(ص) و حضرت خدیجه و حضرت امام علی(ع) نماز را همراه یکدیگر و به صورت پنهانی برگزار می‌کردند (ر.ک. به: ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۲۴۳/۱)، اما نماز آنها از نظر تعداد نمازهای یومیه و تعداد رکعات به صورت فعلی نبوده و در شب معراج به این شکل واجب شده است (ر.ک. به: سهیلی، ۱۴۲۱: ۲۸۵/۲؛ طباطبایی، [بی‌تا]: ۲۹/۱۳).

۳-۲. زمان تشریع روزه

از نظر برخی، در بین علمای اهل سنت دربارهٔ سرآغاز تشریع و وجوب روزه در مدینه و پس از هجرت به آن، اتفاق نظر وجود دارد؛ زیرا آیه‌ای که در آن تشریع

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

روزه نازل شده، به اتفاق، مدنی است (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ۲۶۶/۳). آنها معتقدند که پیامبر(ص) پس از هجرت به مدینه فرمان روزه گرفتن داده است (ابن‌عبدالوهاب، [بی‌تا]: ۷). همچنین روایتی نقل شده که در آن سرآغاز تشریع روزه، هجده ماه پس از هجرت پیامبر(ص) به مدینه ذکر شده است. از نظر برخی از علمای شیعه نیز سرآغاز تشریع روزه، روز ۲ شعبان سال دوم قمری بوده است (شیخ مفید، ۱۴۱۴: ۶۱؛ بهائی عاملی، ۱۴۰۶: ۱۹).

به هر حال، برخی از مورخان با توجه به زمان ادعایی هجرت مسلمانان به حبشه، اخبار بحث و گفت‌گوی مسلمانان با نجاشی و نام بردن از برخی احکام را جعلی دانسته‌اند؛ زیرا بحث روزه که بعد از هجرت به مدینه تشریع شده، در آنها آمده است (الامین، ۲۰۱۲: ۸۷).

۳-۳. زمان تشریع زکات

اهل سنت اخباری را که صحیح می‌دانند، نقل کرده‌اند که نشان دهندهٔ تشریع زکات در مدینه می‌باشد (ر.ک. به: ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ۲۶۶/۳)، اما از آیات مختلف قرآن (مانند سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۵۶؛ سورهٔ نمل، آیهٔ ۳؛ سورهٔ لقمان، آیهٔ ۴؛ سورهٔ فصلت، آیهٔ ۷) که همه از سوره‌های مکی می باشند، چنین استفاده می‌شود که حکم وجوب زکات در مکه نازل شده است و مسلمانان موظف به انجام این وظیفهٔ اسلامی بوده‌اند. البته هنگامی که پیامبر(ص) به مدینه هجرت کردند و حکومت اسلامی را بنیان گذاشتند و طبعاً نیاز به بیت‌المال احساس شد، از طرف خداوند مأموریت یافتند زکات را شخصاً از مردم بگیرد. این مأموریت با آیهٔ ﴿خُذْ منْ أَمْوالهمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهمْ بها وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلاتَکَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَليمٌ﴾ (سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۰۳) که همهٔ آن مدنی می‌باشد (طبرسی، ۱۴۱۵: ۳/۵)، به پیامبر(ص) واگذار شده است.

به هر حال، برخی معتقدند علاوه بر نماز که سرآغاز تشریع آن قبل از هجرت و در شب معراج بوده، بقیهٔ احکام مانند روزه، زکات، حج، امر به معروف و نهی از منکر پس از هجرت به مدینه تشریع شده است (ابن‌عبدالوهاب، [بی‌تا]: ۷)؛ به همین دلیل برخی بر ذکر این احکام مانند روزه و زکات و غیره در اخبار مربوط به هجرت به حبشه اشکال گرفته‌اند (ر.ک. به: العوده، [بی‌تا]: ۶۳).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

برخی برای رفع این اشکال و یا توجیه آن، در صحت سند روایت أم‌سلمه که در آن نماز و روزه و زکات ذکر شده، تشکیک کرده‌اند (ر.ک. به: ابن‌حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ۲۶۶/۳)؛ یا اینکه گفته‌اند در صورت صحت سند، شاید در این روایت منظور از نماز، نمازهای پنج‌گانه و منظور از روزه، روزهٔ ماه رمضان و منظور از زکات همین زکات مخصوص و معین نبوده نباشد (همان) و یا اینکه این عبارات و ذکر برخی از این عبادات و احکام در روایت أم‌سلمه، اضافات منکری باشند (العوده، [بی‌تا]: ۶۴). بنابراین با توجه به موارد و نظریه‌های مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که اخبار مرتبط با هجرت، دارای اضطرابات متنی و تناقضات محتوایی با برخی از گزاره‌های تاریخی، مانند زمان تشریع برخی از احکام می‌باشد.

نتیجه‌گیری

از بررسی روایی-تاریخی موضوع هجرت برخی از مسلمانان به حبشه در صدر اسلام که اخبار مرتبط با آن در کتب روایی نقل شده است، این نکات حاصل شد که:

نخست آنکه بررسی شبکهٔ اسناد برخی از اخبار هجرت به حبشه و تاریخ‌گذاری آنها به روش مبتنی بر تحلیل بصری شبکه اسناد به کار رفته توسط ینبُل، نشان می‌دهد که این اخبار توسط حلقه‌های مشترک اصلی و یا فرعی در قرن دوم قمری جعل شده و یا دست‌کم توسط آنها رواج و گسترش پیدا کرده است.

دوم، تاریخ‌گذاری برخی از اخبار هجرت به حبشه به روش مبتنی بر منبع اولیه، حاکی از آن است که این اخبار در نیمهٔ اول قرن سوم و یا دست‌کم در نیمهٔ دوم قرن دوم قمری به منابع حدیثی متقدم و اصیل راه یافته است.

سوم، موضوعات مطرح شده در متن برخی از اخبار هجرت به حبشه، از نظر تاریخی با زمان تشریع برخی از احکام شرعی و نزول برخی از آیات احکام در تناقض است.

منابع و مآخذ

— آقایی، سید علی (پاییز ۱۳۸۵)، «تاریخ‌گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد (نقد و بررسی روش‌شناسی خوتیر ینبُل)»، *فصلنامه علوم و حدیث*، ش۳ (پیاپی ۴۱)، س۱۳، صص۱۴۵-۱۶۸.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

— ..... (زمستان ۱۳۸۹)، «پدیده حلقه مشترک در روایات: تبیین و تحلیل»، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، ش۷، س۲، صص۲۵ –۵۱.
— ابن‌أبی‌حاتم، عبدالرحمان‌بن محمد (۱۲۷۱ق)، *الجرح و التعدیل*، ج۲، ۵، ۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
— ابن‌أبی‌شیبه، عبدالله (۱۴۰۹ق)، *المصنف*، تحقیق کمال یوسف الحوت، ج۷، ریاض: نشر مکتبة الرشد.
— ابن‌أبی‌عاصم، احمد (۱۴۱۱ق)، *الاحاد و المثانی*، تحقیق د. باسم فیصل احمد الجوابره، ج۱، ریاض: نشر دارالرایة.
— ابن‌أثیر، عزالدین علی‌بن محمد (۱۴۰۹ق)، *اسد الغابة فی معرفة الصحابه*، ج۳، بیروت: دار الفکر.
— ..... (۱۴۱۷ق)، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، ج۲، بیروت: دار الکتب العربی.
— ابن‌اسحاق، محمد (۱۳۹۸ق)، *سیره ابن‌اسحاق*، تحقیق سهیل زکار، [بی‌جا]: دار الفکر.
— ابن‌العراقی، احمدبن عبدالرحیم (۱۴۱۵ق)، *المدلسین*، تحقیق د. رفعت فوزی عبدالمطلب و د. نافذ حسین حماد، [بی‌جا]: دار الوفاء.
— ابن‌حبان، محمد (۱۳۹۳ق)، *الثقات*، ج۵، ۶، ۷، حیدرآباد دکن: نشر دائرة المعارف العثمانیة.
— ..... (۱۳۹۶ق)، *المجروحین من المحدثین و الضعفاء و الکذابین*، تحقیق محمد ابراهیم زاید، ج۱، ۲، ۶، حلب: نشر دار الوعی.
— ..... (۱۴۱۱ق)، *مشاهیر علماء الامصار*، تحقیق مرزوق علی ابراهیم، منصوره: نشر دار الوفاء.
— ابن‌حجر عسقلانی، احمدبن علی (۱۴۰۳ق)، *طبقات المدلسین*، عمان: نشر مکتبة المنار.
— ..... (۱۳۷۹ق)، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، تصحیح محب‌الدین الخطیب، ج۳، بیروت: نشر دار المعرفة.
— ابن‌حُمید، عبدالحمید (۱۴۰۸ق)، *المنتخب من مسند بن‌حُمید*، تحقیق صبحی البدری السامرائی و محمود محمد خلیل الصعیدی، قاهره: نشر مکتبة السنة.
— ابن‌حنبل، احمد (۱۴۲۱ق)، *المسند*، تحقیق شعیب الأرنووط و عادل مرشد، ج۳، ۷، ۲۰، ۳۷، [بی‌جا]: نشر مؤسسة الرسالة.
— ابن‌خزیمه، ابوبکر محمدبن اسحاق (۱۴۲۴ق)، *صحیح ابن‌خزیمه*، تحقیق محمد مصطفی الاعظمی، ج۲، بیروت: نشر المکتب الاسلامی، الطبعة الثالثة.
— ابن‌راهویه، اسحاق‌بن ابراهیم (۱۴۱۲ق)، *المسند*، تحقیق د. عبدالغفوربن عبدالحق بلوشی، ج۴، مدینة منورة: نشر مکتبة الایمان.
— ابن‌سعد، محمد (۱۹۶۸م)، *الطبقات الکبری*، تحقیق احسان عباس، ج۱، ۴، ۵، ۶، ۷، بیروت: دار صادر.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

- ابن‌عبدالبر، یوسف‌بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، تحقیق علی محمد البجاوی، ج۱، ۴، بیروت: نشر دار الجیل.
- ابن‌عدی، عبدالله (۱۴۱۸ق)، *الکامل فی ضعفاء الرجال*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود، علی محمد معوض و عبدالفتاح ابوسنه، ج۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، بیروت: نشر الکتب العلمیه.
- ابن‌قطلوبغا، قاسم (۱۴۳۲ق)، *الثقات ممن لم یقع فی الکتب السته*، تحقیق شادی‌بن محمدبن سالم آل نعمان، ج۶، یمن: نشر مرکز النعمان للبحوث و الدراسات الاسلامیة.
- ابن‌کثیر، اسماعیل‌بن عمر (۱۴۱۸ق)، *البدایة و النهایة*، تحقیق عبدالله‌بن عبدالمحسن الترکی، ج۴، [بی‌جا]: دار هجر للطباعة و النشر.
- ..... (۱۴۳۲ق)، *التکمیل فی الجرح و التعدیل*، ج۲، یمن: مرکز النعمان للبحوث و الدراسات الاسلامیة.
- ابن‌معین، یحیی (۱۳۹۹ق)، *تاریخ ابن‌معین (روایة الدوری)*، تحقیق د. احمد محمد نور سیف، ج۳، ۴، مکة مکرمة: نشر مرکز البحث العلمی و احیاء التراث الاسلامی.
- ..... [بی‌تا]، *تاریخ ابن‌معین (روایة الدارمی)*، تحقیق د. احمد محمّد نور سیف، دمشق: دار المأمون للتراث.
- ابن‌منصور، سعید (۱۴۰۳ق)، *السنن*، تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی، ج۲، هند: نشر دار السلفیه.
- ابن‌هشام، عبدالملک (۱۳۷۵ق)، *السیرة النبویة*، تحقیق مصطفی السقا، ابراهیم الابیاری و عبدالحفیظ الشلبی، ج۱، قاهره: نشر مکتبة و مطبعة البابی الحلبی و اولاده بمصر، الطبعة الثانیة.
- ابوداود سجستانی، سلیمان‌بن اشعث (۱۴۳۰ق)، *السنن*، تحقیق شعیب الارنووط و محمد کامل قره بللی، ج۵، [بی‌جا]: نشر دار الرسالة العالمیة.
- ابونعیم اصفهانی، احمدبن عبدالله (۱۳۹۴ق)، *حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء*، ج۱، مصر: نشر دار السعادة.
- ..... (۱۴۱۹ق)، *معرفة الصحابه*، تحقیق عادل‌بن یوسف العزازی، ج۲، ۴، ریاض: دار الوطن للنشر.
- ..... (۱۴۰۶ق)، *دلائل النبوة*، تحقیق د. محمد رواس قلعه‌جی و عبدالبر عباس، بیروت: نشر دار النفائس، الطبعة الثانیة.
- ابن‌تغری‌بردی، یوسف [بی‌تا]، *المنهل الصافی و المستوفی بعد الوافی*، تحقیق د. محمد محمد امین، [بی‌جا]: نشر الهیئة المصریة العامة للکتب.
- الامین، احمد (۲۰۱۲م)، *فجر الاسلام*، قاهره: نشر مؤسسة الهنداوی للتعلیم و الثقافة.
- بخاری، محمدبن اسماعیل (۱۴۲۲ق)، *الصحیح*، تحقیق محمد زهیربن ناصر الناصر، ج۱، ۴، [بی‌جا]: نشر دار طوق النجاة.
- ..... [بی‌تا]، *التاریخ الکبیر*، ج۱، ۸، حیدرآباد دکن: [بی‌نا].

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

- بزار، ابوبکر احمد (۲۰۰۹م)، *المسند (البحر الزخار)*، تحقیق محفوظ الرحمن زین‌الله، عادل‌بن سعد و صبری عبدالخالق الشافعی، ج۴، مدینة منورة: نشر مکتبة العلوم و الحکم.
- بهائی عاملی، بهاءالدین محمدبن حسین (۱۴۰۶ق)، *توضیح المقاصد*، قم: نشر کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- بیهقی، احمدبن حسین (۱۴۰۵ق)، *دلائل النبوة*، ج۲، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- حاکم نیشابوری، محمدبن عبدالله (۱۴۱۱ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، ج۲، ۳، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۳ق)، *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، ج۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الخامسة.
- خطیب بغدادی، احمدبن علی (۱۴۲۲ق)، *تاریخ بغداد*، تحقیق د. بشار عواد معروف، ج۲، ۷، ۹، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- دارقطنی، علی‌بن عمر (۱۴۰۳ق)، *الضعفاء و المتروکون*، ج۲، ۳، مدینة منورة: نشر مجلة الجامعة الاسلامیة.
- ذهبی، محمدبن احمد (۱۳۸۲ق)، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، ج۱، ۳، ۴، بیروت: دار المعرفة للطباعة و النشر.
- ..... (۲۰۰۳م)، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر*، تحقیق د. بشار عواد معروف، ج۱، ۴، ۶، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- ..... (۱۳۸۷ق)، *دیوان الضعفاء و المتروکین*، مکه: نشر مکتبة النهضة الحدیثة، الطبعة الثانیة.
- ..... (۱۴۰۶ق)، *ذکر اسماء من تکلم فیه و هو موثق*، زرقاء اردن: نشر مکتبة المنار.
- ..... (۱۴۰۵ق)، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق گروهی از محققین با سرپرستی شعیب الارنووط، ج۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰، [بی‌جا]: نشر مؤسسة الرساله، الطبعة الثالثة.
- رویانی، محمدبن هارون (۱۴۱۶ق)، *المسند*، تحقیق ایمن علی ابویمانی، ج۱، قاهره: نشر مؤسسهٔ قرطبه.
- زرکلی، خیرالدین(۲۰۰۲)، *الاعلام*، ج۴، بیروت، دار العلم للملایین.
- سبط ابن‌العجمی، ابراهیم‌بن محمد (۱۴۰۶ق)، *التبیین لاسماء المدلسین*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- سهیلی، عبدالرحمان (۱۴۲۱ق)، *الروض الأنف فی شرح السیرة النبویة لابن‌هشام*، تحقیق عمر عبدالسلام السلامی، ج۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شرّاب، محمدبن محمدحسن (۱۴۱۱ق)، المعالم الاثیرة فی السنة و السیرة، بیروت- دمشق: نشر دار القلم و الدار الشامیة.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

- شیخ مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۴ق)، *مسار الشیعة فی مختصر تواریخ الشریعة*، تحقیق شیخ مهدی نجف، بیروت: دار المفید، الطبعة الثانیة.
- طباطبایی، محمدحسین [بی‌تا]، *تفسیر المیزان*، ج۱۳، قم: انتشارات جامعه مدرسین قم.
- طبرانی، سلیمان‌بن احمد [بی‌تا]، *المعجم الکبیر*، تحقیق حمدی‌بن عبدالمجید السلفی، ج۲، قاهره: نشر مکتبة ابن‌تیمیه، الطبعة الثانیة.
- ..... [بی‌تا] ، *المعجم الاوسط*، تحقیق طارق‌بن عوض الله و عبد المحسن‌بن ابراهیم الحسینی، ج۷، قاهره، دار الحرمین.
- ..... (۱۴۰۴ق)، *الاحادیث الطوال*، تحقیق حمدی‌بن عبدالمجید السلفی، موصل: مکتبة الزهرا، چ۲.
- طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۴۱۵ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، گروهی از محققان، ج۵، بیروت: نشر مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الطبری*، ج۲، بیروت: دار التراث، الطبعة الثانیة.
- طرخان، ابراهیم علی (۱۹۵۹)، «الاسلام و الممالک الاسلامیة بالحبشه فی العصور الوسطی»، *المجلة التاریخیة المصریة*، العدد ۸، صص۳-۶۸.
- طیالسی، سلیمان‌بن داود (۱۴۱۹ق)، *المسند*، تحقیق د. محمدبن عبدالمحسن الترکی، ج۱، مصر: نشر دار الهجر.
- عجلی، احمدبن عبدالله (۱۴۰۵ق)، *تاریخ الثقات*، [بی‌جا]: دار الباز.
- عقیلی، محمدبن عمرو (۱۴۰۴ق)، *الضعفاء الکبیر*، ج۱، ۲، ۴، بیروت: دار المکتبة العلمیة.
- علائی، خلیل‌بن کیکلدی (۱۴۱۷ق)، *المختلطین*، قاهره: نشر مکتبة الخانجی.
- ..... (۱۴۰۷ق)، *جامع التحصیل فی احکام المراسیل*، بیروت: نشر عالم الکتب، الطبعة الثانیة.
- العوده، سلیمان‌بن حمد [بی‌تا]، *مرویات الهجرة*، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- کاشانی، ملا فتح‌الله (۱۳۳۳ش)، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، ج۵، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۳ش)، *الکافی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، ج۳، تهران: دار الکتب الاسلامیه، الطبعة الخامسة.
- گلدتسیهر، ایگناتس و همکاران (۱۳۹۴ش)، *تاریخ‌گذاری حدیث (روش‌ها و نمونه‌ها)*، به کوشش و ویرایش سید علی آقایی، تهران: انتشارات حکمت.
- ابن‌عبدالوهاب، محمد [بی‌تا]، *الاصول الثلاثة و ادلتها*، ریاض: دار الوطن.
- مزّی، یوسف‌بن عبدالرحمن (۱۴۰۰ق)، *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، تحقیق د. بشار عواد معروف، ج۱، ۹، ۱۴، ۲۶، بیروت: نشر مؤسسة الرسالة.
- مسلم، ابن‌حجاج [بی‌تا]، *الصحیح*، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، ج۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

– مغلطای‌بن قلیج، علاءالدین (۱۴۲۲ق)، *اکمال تهذیب الکمال*، ج۱، [بی‌جا]: الفاروق الحدیثة للطباعة و النشر.
– موتسکی، هارالد (۱۳۹۴ش)، *حدیث اسلامی (خاستگاه‌ها و سیر تطور)*، به کوشش و ویرایش مرتضی کریمی‌نیا، قم: نشر دار الحدیث، چ۲.
– منیسی، سامیه عبدالعزیز (۱۴۲۱ق)، *اسلام النجاشی و دورة فی صدر الدعوة الاسلامیةً*، قاهره: دار الفکرالعربی.
– نسایی، احمدبن شعیب (۱۳۹۶ق)، *الضعفاء و المتروکون*، حلب: نشر دار الوعی.
– ..... (۱۴۲۳ [الف])، مشیخه، مکة مکرمة: نشر دار عالم الفوائد.
– ..... (۱۴۲۳ [ب])، *ذکر المدلسین*، مکة مکرمة: نشر دار عالم الفوائد.
– هوروفتس، یوسف (۱۴۲۱ق)، *المغازی الأولی و مؤلفوها*، ترجمه د. حسین نصار، قاهره: نشر مکتبة الخانجی، الطبعة الثانیة.

List of sources with English handwriting

– Aghaei, Seyed Ali (Fall 2006), Article "Historiography of Narrations Based on Document Analysis (Critique and Review of the G.H.A Juynboll)", *Quarterly Journal of Science and Hadith*, Third Issue, 41, Eleventh Year.
– ..... (Winter 2010), Article "The phenomenon of a common ring in narrations: explanation and analysis", *Quarterly Journal of Islamic History Studies*, No.7, Year 2.
– Ibn Abihatam, Abd al-Rahman ibn Muhammad (1271 AH), *Al-Jarh and Al-Taddil*, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
– Ibn Abi Shaybah, Abdullah (1409 AH), *Al-Musnaf*, research by Kamal Yusuf Al-Hout, Riyadh: published by Maktab al-Rashad.
– Ibn Abi Asim, Ahmad (1411 AH), *Al-Ihad and Al-Muthani*, research d. In the name of Faisal Ahmad Al-Jawabrah, Riyadh: Publisher of Al-Rayyah.
– Ibn Athir, Izz al-Din Ali ibn Muhammad (1409 AH), *Asad al-Ghabeh in the Knowledge of the Companions*, Beirut: Dar al-Fikr Publishing.
– ..... (1417 AH), *Al-Kamil Fi Al-Tarikh*, research: Omar Abdul Salam Tadmari, Beirut: Nashr Dar Al-Kitab Al-Arabi.
– Ibn Ishaq, Muhammad (1398 AH), *Sira of Ibn Ishaq*, research by Soheil Zakar, Dar Al-Fikr Publishing.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

- Ibn al-Iraqi, Ahmad ibn Abd al-Rahim (1415 AH), *Modelsin*, Dar Al-Wafa Publishing.
- Ibn Hobban, Muhammad (1393 AH), *Al-Thaqat*, Hyderabad, Deccan, India: Publication of the Ottoman Encyclopedia.
- ..... (1396 AH), *The injured from the narrators, the weak and the liars*, research by Mohammad Ibrahim Zayed, Aleppo: Dar Al-Wai Publishing.
- ..... (1411 AH), f*amous scholars of Al-Masar*, research of Marzuq Ali Ibrahim, Mansoura Egypt: Dar Al-Wafa Publishing.
- Ibn Hajar Asqalani, Ahmad Ibn Ali (1403 AH), *Tabaqat al-Mudalsin*, Oman: Publication of the School of Manar.
- ..... (1379 AH), *Fath al-Bari Sharh Sahih al-Bukhari*, edited by Moheb al-Din al-Khatib, Beirut: Dar al-Ma'rifah Publishing.
- Ibn Homid, Abdul Hamid (1408 AH), *Almontakhab min Musnad Ibn Hamid*, Investigated by Subhi Al-Badri Al-Samarai and Mahmoud Muhammad Khalil Al-Saidi, Cairo: Published by Maktab Al-Sunnah.
- Ibn Hanbal, Ahmad (1421 AH), *Al-Musnad*, research of Shoaib Al-Arnawat and Adel Murshid, publication of Al-Risalah Institute.
- Ibn Khuzaymah, Abu Bakr Muhammad ibn Ishaq (1424 AH), *Sahih Ibn Khuzaymah*, research: Muhammad Mustafa al-Azami, Beirut: Nashr al-Muktab al-Islami, third edition.
- Ibn Rahwiyah, Ishaq Ibn Ibrahim (1412 AH), *Al-Musnad*, research d. Abdul Ghafoor bin Abdul Haq Balushi, Medina: Publication of the School of Faith.
- Ibn Sa'd, Muhammad (1968), *Al-Tabqat al-Kubra*, research by Ehsan Abbas, Beirut: published by Sader.
- Ibn Abd al-Barr, Yusuf ibn Abdullah (1412 AH), *AlstiAab fi Maerafat Al-ashab*, research by Ali Muhammad al-Bajawi, Beirut: Dar Al-Jail Publishing.
- Ibn Uday, Abdullah (1418 AH) , *Al-Kamil Fi Dhafa 'Al-Rijal*, research by Adel Ahmad Abd al-Mujud and Ali Muhammad Mu'awwad and Abd al-Fattah Abu Sunnah, Beirut: Publication of the Book of Science.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

- Ibn Qutluboga, Qasim (1432 AH), *Al-Thoqat, Men man lam yage fii Alkotob Alseteh*, research by Shadi Ibn Muhammad Ibn Salem Al-Nu'man, Yemen: Publication of Al-Nu'man Center for Research and Islamic Studies.
- Ibn Kathir, Ismail Ibn Umar (1418 AH), *Albedayeh wa Alnehayeh*, research by Abdullah Ibn Abd al-Muhsin al-Turki: Nashr Dar Hijr for printing and publishing.
- ..... (1432 AH), *Altakmil filgarh wa Altaeedil*, Yemen: Publication of Al-Nu'man Center for Research and Islamic Studies.
- ..... (1420 AH), *Tafsir Al-Quran Al-Azeem*, research by Sami Ibn Muhammad Salameh, Nashr Dar Taybeh for publishing and distribution, second edition.
- Ibn Mu'in, Yahya (1399 AH), *History of Ibn Mu'in (narration of distance)*, research d. Ahmad Muhammad Noor Saif, Mecca: Publication of the Center for Scientific Discussion and Revival of Islamic Heritage.
- ..... (?), *History of Ibn Mo'in (Al-Darmi narration)*, research d. Ahmad Mohammad Noor Saif, Damascus: Publisher Dar Al-Mamoun for Heritage.
- Ibn Mansour, Saeed (1403 AH), *Alsunan*, research of Habib-ur-Rehman Al-Azami, India: Salafiyyah Publishing House.
- Ibn Hisham, Abdul Malik (1375 AH), *Al-Sira Al-Nabawiyyah*, research by Mustafa Al-Saqqa and Ibrahim Al-Abiyari and Abd Al-Hafiz Al-Shalabi, publication of Al-Babi Al-Halabi School and Printing House and Children of Egypt, second edition.
- Abu Dawud al-Sajistani, Sulayman ibn Ash'ath (1430 AH), *Sunnis*, research by Shoaib al-Arnawat and Muhammad Kamel Qara Belli
- Abu Naim Isfahani, Ahmad Ibn Abdullah (1394 AH), *Haliya al-Awliya wa Tabaqat al-Asfiya*, Egypt: Dar al-Saada Publishing.
- ..... (1419 AH), *Maerefat Alsahabah*, research by Adel bin Yusuf Al-Azazi, Riyadh: Dar Al-Watan Publishing House.
- ..... (1406 AH), *Dalael Alnubuwah*, Research d. Mohammad Rawas Qala-e-Ji and Abd al-Barr Abbas, Beirut: Dar Al-Nafais Publishing, Second Edition.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

- Ibn Taghri Bardi, Yusuf (?), *Al-Manhal Al-Safi and Al-Mustafa after Al-Wafi*, research d. Mohammad Mohammad Amin, Publication of the Egyptian Public Library.
- Al-Amin, Ahmad (2012), *Fajr al-Islam*, Cairo: Publication of the Indian Institute for Education and Culture.
- Al-Awda, Sulayman bin Hamad (?), *Marwiyat al-Hijra*.
- Bukhari, Muhammad ibn Isma'il (1422 AH), *Al-Sahih*, research by Muhammad Zuhair ibn Nasser al-Nasser
- ..... (?), *Al-Tarikh* Al-Kabir, Hyderabad Al-Dakkan.
- Bazar, Abu Bakr Ahmad (2009), *Al-Musnad (Al-Bahr Al-Zakhar)*, research by Mahfouz Al-Rahman Zainullah and Adel Ibn Saad and Sabri Abdul Khaliq Al-Shafi'i, Medina: Publication of the School of Science and Judgment.
- *Islamic Encyclopedia Foundation* (1983), Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation.
- Baha'i Ameli, Baha'u'llah Muhammad ibn Husayn (1406 AH), *Explanation of Purposes*, Qom: Published by the Library of Ayatollah Marashi Najafi.
- Bayhaqi, Ahmad Ibn Hussein (1405 AH), *The Evidence of Prophethood*, Beirut: Publisher of the Scientific Book.
- The ruler of Neyshabur, Muhammad ibn Abdullah (1411 AH), *Mustadrak Ali al-Sahihin*, research by Mustafa Abdul Qadir Atta, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiyah Publishing.
- Free Ameli, Muhammad ibn Hassan (1403 AH), *Shiite means to study Sharia issues*, research by Abdul Rahim Rabbani Shirazi, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, fifth edition.
- Baghdadi's sermon, Ahmad ibn Ali (1422 AH), *History of Baghdad*, research d. Famous Bashar Awad, Beirut: Dar Al-Gharb Al-Islami Publishing House.
- Darqatani, Ali ibn Umar (1403 AH), *The weak and the abandoned*, Medina: Published by the Journal of the Islamic Society.
- Zahabiya, Muhammad ibn Ahmad (1382 AH), *The level of moderation in the critique of men*, Beirut: Nashr Dar Al-Ma'rifah for printing and publishing.
- ..... (2003), *History of Islam and the death of celebrities*, research d. Famous Bashar Awad, Dar al-Gharb al-Islami Publishing.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

- ..... (1387 AH), *Diwan of the weak and abandoned*, Mecca: Publication of the school of Ennahda Hadith, second edition.
- ..... (1406 AH), *mentioning the names of my speech and his authenticity*, Zarqa of Jordan: publication of Al-Manar School.
- ..... (1405 AH), *The Journey of the Proclamation of the Nobles*, a research by a group of scholars led by Shoaib al-Arnawt, Al-Risalah Institute Publication, third edition.
- Royani, Muhammad ibn Harun (1416 AH), *Al-Musnad*, research by Ayman Ali Abu Yamani, Cairo: Cordoba Institute Publishing.
- The lineage of Ibn al-Ajami, Ibrahim ibn Muhammad (1406 AH), *Explanation of the names of the models*, Beirut: Publisher of the scientific books.
- Soheiliyah, Abd al-Rahmanah (1421 AH), *Al-Rawd al-Anaf fi Sharh al-Sira al-Nabawiyyah by Ibn Hisham*, research by Umar Abd al-Salam Salami, Beirut: Publisher of the Revival of Arab Heritage.
- Sheikh Mufid, Muhammad ibn Muhammad ibn Nu'man Akbari (1414 AH), *The Shiite Path in a Brief History of Sharia*, Research by Sheikh Mehdi Najaf, Beirut: Dar Al-Mufid Publishing, Second Edition.
- Tabatabai, Mohammad Hossein (?), *Tafsir Al-Mizan*, Qom: Qom Teachers Association Publications.
- Tabarani, Sulayman ibn Ahmad (?), *Al-Mujam al-Kabir*, research by Hamdi ibn Abd al-Majid al-Salafi, Cairo: Ibn Taymiyyah School Publishing, second edition.
- Tabarsiyya, Fadl Ibn Hassan (1415 AH) , *Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, a group of scholars, Beirut: Publication of the Scientific Institute for Publications.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (1387 AH), *Tarikh al-Tabari*, Beirut: Publishing House of Heritage, second edition.
- Tarkhan, Ibrahim Ali, article "Islam and the Islamic kingdoms in Abyssinia in the Middle Ages", *Journal of Egyptian History*, No. 8, 1959, pages 3-68.
- Tayalsi, Suleiman bin Daud (1419 AH), *Al-Musnad*, research d. Muhammad ibn Abd al-Muhsin al-Turki, Egypt: Publisher of Hijr.
- Ajliya, Ahmad ibn Abdullah (1405 AH), *Tarikh al-Thaqat*, Dar al-Baz publisher.
- Aghili, Muhammad ibn Amr (1404 AH), *Al-Dadafa Al-Kabir*, Beirut: Dar Al-Muktabah Al-Almiyeh.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

- Ala'i, Khalil bin Kikldi (1417 AH), *Al-Mukhtaltin*, Cairo: Al-Khanji School Publishing.
- ..... (1407 AH), *Jame 'al-Tahsil fi Ahkam al-Marasil*, Beirut: Nashr-e Alam al-Kitab, second edition.
- Kashani, Mullah Fathullah (1333 AH), *Interpretation of the method of the righteous in the obligation of the opponents*.
- Klini, Mohammad Ibn Ya'qub (1363 AH), *Al-Kafi*, research by Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Dar Al-Kitab Al-Islamiyya Publishing House, fifth edition.
- Goldtsehir, Ignats / et al. (2015), *Dating of Hadith (Methods and Examples)*, edited by Seyed Ali Aghaei, Tehran: Hekmat Publications.
- Muhammad ibn Abdul Wahab (?), *The Three Principles and their Evidences*, Riyadh: Published by Dar Al-Watan.
- Mazi, Yusuf ibn Abd al-Rahman (1400 AH), *refinement of perfection in the names of men*, research d. Famous Bashar Awad, Beirut: Al-Risalah Institute Publishing.
- Muslim, Ibn Hajjaj (?) , *Al-Sahih*, research by Muhammad Fawad Abd al-Baqi, Beirut: Publisher of the Revival of Arab Heritage.
- Maghltay Ibn Qalij, Aladdin (1422 AH), *Completion of the refinement of perfection*, Publishing Al-Farooq Al-Hadith for printing and publishing.
- Motsky, Harald (2015), *Islamic Hadith (Origins and Evolution)*, edited by Morteza Kariminia, Qom: Hadith Publishing, second edition.
- Manisi, Samia Abdul Aziz (1421 AH), *Islam al-Najashi and the period in the beginning of the Islamic Dawa*, Cairo: Dar al-Fikr al-Arabi Publishing.
- Women, Ahmad Ibn Shoaib (1396 AH), *The weak and the abandoned*, Aleppo: Dar Al-Wai Publishing.
- ..... (1423 AH), *Mashikha*, Mecca: Publisher of the world of benefits.
- ..... (1423 AH), *Zikr al-Mudalsin*, Mecca: Publisher of the world of benefits.
- Horofets, Yusuf (1421 AH), *Al-Maghazi Al-Awli and his authors*, translated by D. Hussein Nasar, Cairo: Al-Khanji School Publishing, Second Edition.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6]
[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-12]